

تغییر اجتماعی بدون تغییری در روابط اجتماعی - بدون رنج و مبارزه و بار گناه و بدون ایناری که تغییر اجتماعی مستلزم آن است - سالیان سال است که رویای انواع ویژه‌ای از تفکر سوسیالیستی و سوسیال‌دموکراتیک بوده است. همواره کسانی بوده‌اند که پنداشته‌اند با مصرف کارآمدتر منابع موجود، با مدیریت عقلانی‌تر اقتصاد یا سیاست، یا تنها اگر بگذاریم «پیشرفت مسیر خود را طی کند»، می‌توان زندگی اجتماعی را دگرگون ساخت. در این سناریوها، هیچ لحظه‌ی مبارزه و یا لحظه‌ی شکستی وجود نخواهد داشت، زیرا تغییر از بیرون حوزه‌ی روابط اجتماعی، از علم، جامعه‌شناسی، و یا از مذهب سرچشمه می‌گیرد. در اواخر سده‌ی بیستم، جهان «بی‌جان» ماشین‌آلات و تکنولوژی مسئولیت درمان بیماری‌های اجتماعی را، بدون رنجش دیگران، گرفته است. هواداران دگرسانی تکنولوژی یک در برابر اتوپیا‌های اجتماعی که رادیکال‌های سیاسی عنوان کرده‌اند، ادعا و وعده کرده‌اند که می‌توانند این اتوپیاها را بدون تغییر وضع سیاسی موجود بنا نهند. در این‌گونه تعبیرها که پس

پیشین تصورناپذیر بود.

تکنولوژی‌های توده‌ی!

این تکنولوژی‌های اطلاعاتی جدید چیست؟ در چارچوب هدف‌های بحث حاضر، دو رشته تحول مهم تکنولوژیک در دو دهه‌ی گذشته وجود دارد. یکی ایجاد و توسعه‌ی «کامپیوتر شخصی» و نرم‌افزار همراه با آن است - در واقع، یک کامپیوتر با قدرت پردازش و حافظه‌ی قوی که برای استفاده‌ی عموم (در محل کار و یا در خانه) طراحی شده و به عنوان یکی از اقلام مصرفی خانوار برای خرید در دسترس است. درجه‌ی پیشرفت فنی که در کامپیوتر شخصی متبلور شده (که در این چارچوب کامپیوترهای کوچکی را نیز شامل می‌شود که اپل مک‌اینش^(۷) می‌سازد) بر همه آشکار است. کامپیوتر شخصی، در شکل کالایی نسبتاً گران (گران‌تر از یک ماشین لباس‌شویی و ارزان‌تر از یک اتومبیل)، اکنون قدرت محاسبه‌ای در دسترس یک فرد قرار می‌دهد که از آن چه سی سال قبل یک نهاد پژوهشی بزرگ در اختیار داشت، بیش‌تر است. به

رشته‌ی دوم «انقلاب»، در مخابرات است که انتقال انواع جدید اطلاعات را در حجم و سرعت امکان‌پذیر کرده که پیش از این تصورناپذیر بود. نمادهای آشنای این دگرسانی، ماشین فاکس، تلویزیون کابلی و اینترنت هستند. هرگاه با پیشرفت در استفاده از تجهیزات کامپیوتری، این وسایل انتقال مقادیر انبوهی از داده‌ها را در مقیاس جهانی و واقعاً به طور آنی امکان‌پذیر کرده‌اند. کنش و واکنش^(۱۲) کامپیوترهای در اختیار مالکیت افراد را ممکن ساخته‌اند. در این مورد ترجمان کمیت به کیفیت نسبتاً بی‌واسطه است. مقادیر جدید داده‌ها به معنی انواع جدید داده‌ها و نه تنها ارقام، که متن‌های پیچیده و تصاویر صداها، و نیز مجموعه‌ی هماهنگ از همه‌ی این‌ها را در بر می‌گیرد.

دگرسانی تکنولوژی‌های انتقالی، سایل کابل‌گذاری و توسعه‌ی تکنولوژی‌های سخت‌افزار است، اما صنعت نرم‌افزاری خاص خود را نیز شکفته کرده است. در مجموع، این تکنولوژی‌ها امکان دادند که یک غیرمتخصص از کامپیوتری بهره‌ی

قرار گرفتند، نرم‌افزارها خدمات شبکه‌ای» چ میکروسافت می‌بایست برای ایجاد خدمات واکنش نشان می‌داد است، اما هیچ کس ن از تاریخ این ت اکنون مورد بحث سخت‌افزار م تحقیقاتی خصوص عمدتاً وابسته به هستند، در عین کوچک به وس سخت‌افزار توسعه معطوف به نیازها اطلاعات و انتقال که تکنولوژی‌ای فعالیت‌های خ «سافوردیسم»

دموکراسی و

انقلاب انفورماتیک

سیاسی

(۱)

از جنگ دوم جهانی باب شد و بر اثر شگفتی‌های تحول تکنولوژیک پدید آمد، بر حذف فقر، وعده‌ی غذای ارزان (مانند آن‌چه در به اصطلاح «انقلاب سبز» وعده شد)، کالاهای مصرفی ارزان، شیوه‌ی زندگی راحت‌تر، و دستمزدهای فزاینده تاکید می‌شود. اما با ظهور انواع جدید «تکنولوژی اطلاعاتی»، چنین ادعاهایی گسترش یافته است. نوآوری‌های فنی در پردازش و ارتباطات اطلاعاتی نه تنها به عنوان تجدید حیات اقتصادی، که نیز به مثابه‌ی دگرسانی زندگی سیاسی مطرح شده است، و وعده‌ی رفاه بیش‌تر و دموکراسی گسترده‌تر طی اقدامی سریع را در بر دارد. از نیوت گینگریج^(۲) تا گر^(۳) (معاون کلینتون)، از بنیاد مرز الکترونیک^(۴) تا کم و بیش لایه‌های انبوه سبیر .. انارشیت‌ها^(۵) و فمینیست‌ها، شکل‌های جدید مخابرات و تجهیزات کامپیوتری قابل حمل را موتورهای روابط اجتماعی و سیاسی جدید و دموکراتیک‌تر تلقی می‌کنند. شهروند سده‌ی بیست‌ویکم، با یک کامپیوتر شخصی و یک مودم^(۶) به عنوان سخن‌گوی جدیدش، از دموکراسی‌ای بهره خواهد برد که برای نسل‌های محروم و سرکوب‌شده‌ی

موازات پیشرفت در سخت‌افزار کامپیوتر شخصی، در نرم‌افزاری که برای مردم عادی طراحی شده، نه متخصصان، نیز پیشرفت صنعتی وجود داشته است. ایجاد «رابط گرافیکی کاربر»^(۸) («زبان نمادین»^(۹)) سیستم اپل مک‌اینش و ویندوز) و برنامه‌های «خوش‌کار»^(۱۰)، استفاده از کامپیوتر را تجربه‌ی ساخته که به لحاظ فنی چندان رعب‌انگیز نیست و برای آموزش آن کافی است که یک دوره‌ی کوتاه (طبعاً بر اساس موضوع کار) گذرانده شود و نیازی به تمرین طولانی ندارد.

با قسایل فهم‌تر شدن زبان کامپیوتری، موضوعات «مکالمه»ی کامپیوتری^(۱۱) گسترش پیدا کرده است، و کامپیوترهای جدید می‌توانند در خدمت طیفی از کارکردهای تفریحی، آموزشی، خانوادگی و اقتصادی قرار بگیرد. بازار اصلی کامپیوتر شخصی هم‌چنان در ادارات است، نه در منازل، و بسیاری (اگر نه همه‌ی) مدل‌ها با چنین منظوری طراحی می‌شود. وانگهی، آن چه ابتدا در عمل یکی از اقلام «صنعت پرهزینه‌ی اطلاعاتی» به شمار می‌رفت، اکنون به یکی از اقلام مصرفی تبدیل شده که در دسترس غیرمتخصصان است.

که از قدرت استفاده‌ی ماهرانه از متن‌ها و تصاویرها برخوردار است و نیز با سایر کامپیوترها در مقیاس جهانی ارتباط برقرار کند. به طبع، قدرت‌های اقتصادی تمایلی ندارند که در همین نقطه توقف کنند: آن‌ها می‌خواهند خدمات کامپیوتری را با شبکه‌ی پیوند دهند که با تلویزیون کابلی و تلفن برقرار شده است، بدین ترتیب خانوار آینده تمامی ارتباطات الکترونیکی خود را با جهان خارج از طریق یک خدمت واحد و به غایت سودآور برقرار می‌کند. به همان اندازه طبیعی است که مبارزه‌ی اقتصادی حادی بر سر شکل این ادغام وجود داشته باشد، زیرا در این مورد نیز مانند موارد دیگر، ضرورت یک نظام یگانه‌ی ارتباطی با هرج و مرج بازار در تنازع قرار می‌گیرد.

مثال کم‌وبیش روشنی را در نظر بگیرید. میکروسافت، تولیدکننده‌ی اصلی نرم‌افزارهای کامپیوتر شخصی، تسلط خود را بر بازار این گونه تضمین کرد که تولیدکنندگان کامپیوتر ناگزیر شوند برنامه‌ی ویندوز را به عنوان بخشی از بسته‌ی نرم‌افزاری اصلی در نظر بگیرند. اما وقتی این کامپیوترهای شخصی در شبکه‌های کامپیوتری

فقدان در سرمایه ارتباط رای‌گیری

هر چند این «دولتی» عنوان خود فرآورده‌ی دولتی - نتیجه‌ی احتمالی پیش‌بینی کامپیوتر این از شمار است. نیکو شد که ماشینی از نی ورود خرد کنند اطا

بفقدن نرم‌افزارهای دیگری که لازمه‌ی این شبکه‌ای» جدید بود، به کار گرفته شدند، و پیافت می‌بایست با یک مبارزه‌ی تهاجمی ایجاد خدمات شبکه‌ای و نرم‌افزار خاص خود می‌نشان می‌داد. یک نظام یکپارچه مطلوب ما هیچ کس نمی‌آید سهم خود را از بازار فدای تاریخ این تکنولوژی به خوبی آگاهیم و این مورد بحث نیست: هم نرم‌افزار و هم سخت‌افزار مربوط به اینترنت در نهادهای نهانی خصوصی و عمومی توسعه یافت که سابقاً وابسته به منابع مالی وزارت دفاع امریکا است. در عین حال تکنولوژی کامپیوترهای بچک به وسیله‌ی تولیدکنندگان خصوصی متافزار توسعه یافت که کوشش‌شان را اساساً هدف به نیازهای شرکت‌ها برای بهره‌برداری از اتمات و انتقال آن کرده بودند. کسی تردید ندارد، تکنولوژی اطلاعاتی در توسعه‌ی فوق‌العاده‌ی عملیات‌های خدماتی مالی و تغییر موسوم به «فوردیسم» در سازمان تولید نقش قاطعی دارد.

است. استفاده از یک کامپیوتر شخصی، و ایجاد ارتباط از طریق شبکه‌ی ارتباطات بین‌المللی نه به منابع مالی فوق‌العاده نیاز دارد و نه به چیزی معادل یک درجه‌ی دانشگاهی. حتی در کشورهای ثروتمندتر صنعتی یک اقلیت به اینترنت و منابع کامپیوتر شخصی دسترسی دارد، اما در بسیاری از کشورها دسترسی به این امکانات یک واقعیت بالقوه است.

اما دسترسی به چه چیزی؟ در عین حال که بخش اعظم امکاناتی که تبلیغ می‌شود بی‌کران به نظر می‌رسد، آن‌ها به دو نوع اصلی ارتباطات تقسیم می‌شوند. از یک سو، کامپیوتر شخصی، همراه با داده‌های نگاشته شده بر دیسک، یا دیسک‌های فشرده، و از سوی دیگر استفاده از اینترنت، امکان دسترسی به منابع اطلاعاتی و آموزشی را فراهم می‌آورد که به داده‌های کامپیوتری ترجمه شده است. این منابع می‌تواند آمیزشی از متن‌ها، صداها، یا تصویرها باشد، و توان پیمایش و دنبال کردن انواع خاصی از اطلاعات، خواه اسناد مباحثات، جدول زمانی آموزشی و خواه نقشه‌ی یک مکان

یک پایانه می‌تواند در آن مشارکت داشته باشد. به علاوه، دامنه‌ی این موارد از هر چیزی که یک دهه پیش امکان پذیر بود، سریع‌تر و نیز بین‌المللی‌تر است. اما کنش و واکنش نهایی و به لحاظ تکنولوژیکی از همه مهم‌تر مکالمه‌های «هم‌زمان»^(۱۶) بر روی صفحه‌ی نمایش است که در آن نوشته و نیز پاسخ به آن بی‌درنگ پدیدار می‌شود؛ این امر نشانگر آمیزه‌ی جدیدی از انواع ارتباطات است: این ارتباطات به لحاظ مقیاس زمانی «شفاهی»، به لحاظ شکل نوشتاری، و به لحاظ دامنه الکترونیکی است.

با توجه به تازگی مکالمه‌های هم‌زمان به عنوان شکلی از ارتباطات، شگفت‌آور نیست که این شکل بیش‌ترین نظرها را به خود جلب کرده است. امکان مکالمه که به لحاظ سنتی صمیمانه‌ترین شکل ارتباط است، در مقیاس بین‌المللی و به نحوی که طرف‌های مکالمه ناشناخته باقی می‌مانند انجام می‌شود (بدین ترتیب که سخن‌گویان به راستی از یکدیگر پنهان‌اند). برحسب دیدگاه‌تان، این امکان، می‌تواند پیشرو و

افقدان قدرت مردمی در دموکراسی‌های سرمایه‌داری لیبرال ارتباطی با تعداد دفعات ازگیری ندارد

کن هیرش کاپ ترجمه: پرویز صداقت

در چند اینترنت به عنوان یک فعالیت خدماتی «بوتی» طراحی شد، این تکنولوژی‌های جدید به عنوان خدمات عمومی شناخته نمی‌شوند. آن‌ها فاقد تحقیقات شرکت‌ها یا تحقیق و توسعه‌ی بوتی - نظامی بودند و هم‌چنان هستند. وانگهی، نتیجه‌ی نهایی چیزی است که هیچ‌کس، به جز احتمالاً برخی نویسندگان آثار علمی - تخیلی، پیش‌بینی نکرده بودند.

چون تکنولوژی‌های جدید در عمل استفاده از کامپیوتر را «جهانی» کرده‌اند، منابع آن چه پیش از این از زمره‌ی تکنولوژی‌های «پیشرفته» و گران به شمار می‌رفتند اکنون در سطح وسیعی در دسترس است. در مقاله‌ی کامپیوتر و سرمایه‌داری نوشته‌ی نیکولاس باران^(۱۳) به درستی بر این نکته توجه شد که در صنعت کامپیوترهای شخصی تاکید بر ماشین‌های بسیار پیشرفته‌ی بی‌است که قدرتی بیش از نیاز «کاربر - شهروند» دارند، اما این دلیل هم بر ورود کامپیوترهای شخصی به طیف کالاهای قابل خرید است. گاه شاید استفاده از کامپیوتر کلافه کننده و زجرآور باشد، اما نرم‌افزارهای جدید اطلاعات کامپیوتری را یک پدیده‌ی توده‌ی کرده

خاص، کم‌ترین امکانی است که در دسترس کاربر است. یک کامپیوتر که در شبکه قرار داشته باشد در عمل پایانه‌ی بی‌است که می‌توان با آن از مزیت دسترسی به انواع بسیار متنوع «بایگانی‌های» کامپیوتری که روزانه به هنگام می‌شوند بهره برد. در زمینه‌ی دسترسی به اطلاعات، در تبلیغات به یک نکته اشاره می‌شود: تکنولوژی‌های جدید نشان دهنده‌ی یک جهش عظیم است.

نوع دوم خدمت، کنش و واکنش میان کاربرهای فردی است. ارتباطات شبکه‌ای میان کاربرهای فردی، و شکل‌گیری تدریجی شبکه‌هایی هرچه پیشرفته‌تر، نوع جدیدی از مکالمه‌های نوشتاری را امکان‌پذیر کرده است. این کنش و واکنش، در کم‌اهمیت‌ترین شکل‌اش، به وسیله‌ی پست الکترونیکی آرایه می‌شود. پست الکترونیکی در مقیاسی بین‌المللی تبادل سریع مکاتبات را که در عصر پیشین امتیازی برای اشراف شهرنشین بود به امری توده‌گیر تبدیل می‌کند. امکان تا حدودی جدید، به اصطلاح «فهرست‌های مباحثه»^(۱۴) و «تابلوه‌های خبرنگاره‌ی»^(۱۵) است که نوعی تریبون آزاد دایمی پدید می‌آورد که هر فرد با دسترسی به

جسورانه، یا برای آنان که مکالمه‌ی عادی را نشانه‌ی سنگینی یک بار اجتماعی می‌دانند، جانشینی تأسف‌بار باشد. به علاوه، تمامی این شکل‌های کنش و واکنش از یک وجه تمایز برخوردارند: می‌توان از آن‌ها به عنوان شالوده‌ی برای پی‌ریزی به اصطلاح «جماعت‌های مجازی»^(۱۷) استفاده کرد، منظور اجتماع‌هایی است که بر مبنای مبادله‌ی پیام در یک شبکه‌ی کامپیوتری ایجاد می‌شود. مادامی که فرد توان صحبت داشته باشد، شبکه‌ی موجود میزبان تعداد بی‌شماری از چنین جماعت‌هایی خواهد بود، و به لحاظ لحن و درون‌مایه، موضوعات بحث می‌تواند به شدت ساده‌نگرانه و یا به لحاظ سیاسی جدی باشد. (البسته صفت «مجازی» برای این جماعت‌ها اغراق‌آمیز است. زیرا از هنگامی که انسان بر موانع گفتاری غلبه یافت، یعنی با اختراع نوشتار، اجتماعات فراوانی وجود داشتند که بر مبنای چیزی برتر از مجاورت فیزیکی بنا شد. بدین لحاظ، شبکه‌های کامپیوتری چیز تازه‌ای خلق نکردند، گرچه بی‌تردید سازمان‌دهی و نگهداری آن را آسان‌تر ساختند.)

ویژگی‌های دموکراتیک این تکنولوژی‌های جدید مبتنی بر این ظرفیت‌ها است. با یک کامپیوتر کوچک، اطلاع‌مقدماتی از نرم‌افزار مربوطه، و یک مودم که دسترسی به خط تلفن را امکان‌پذیر می‌کند، می‌توان پیام‌ها و داده‌ها و تصویرها و صداها را به هر پایانه‌ی بین‌المللی دیگر منتقل و یا از آن دریافت کرد. امکاناتی که این امر برای سازمان‌های سیاسی می‌گشاید با استفاده‌ی افسانه‌ی فرمانده مارکوس سخن‌گوی زاپاتیست‌ها از تکنولوژی اطلاعاتی نشان داده شد. وی با ارسال پیام‌های خود در اینترنت در عمل رسانه‌های سنتی را کنار گذاشت.

تکنولوژی‌های جدید، به عنوان ابزارهای سازمان‌دهی، بی‌تردید قدرتمندند، ارتباطات بین‌المللی را سریع و آسان و ارزان می‌کنند و خبرنگارها و درخواست‌های بین‌المللی را امکان‌پذیر می‌سازند، امری که خطوط قدیمی تلفن را نسبتاً شگفت‌انگیز می‌نماید. اما به لحاظ هدف‌های سازمانی این تکنولوژی از نظر سیاسی خنثا است، زیرا همان کمکی را که به افراد در قدرت می‌کند به دیگرانی ارایه می‌کند که می‌کوشند در برابر قدرت مقاومت کنند. ادعاهای سیاسی اصلی نسبت به تکنولوژی‌های جدید در این باور نهفته که این تکنولوژی‌ها دسترسی به اطلاعات و یک شکل بین‌المللی‌کنش و واکنش را امکان‌پذیر می‌کنند که به لحاظ سیاسی خنثا نیست و ذاتاً دموکراسی‌زا است. زیرا اگر بحث آگاهانه به گونه‌ی کم‌وبیش بی‌مانع لازمه‌ی حیات دموکراتیک باشد، آن گاه یک تکنولوژی که آن را ترویج می‌کند صرفاً می‌تواند به نفع نیروهای دموکراتیک اقدام کند.

با مطالعه‌ی شگفت‌زدگی‌های ذوق‌زدگان تکنولوژیک، در می‌یابیم که آن‌ها را هیجان‌زده کرده امکاناتی نیست که اینترنت برای شهروندان مسئول و متین فراهم می‌آورد. بل امکانات حیرت‌آوری است که برای ذوق‌زدگان اینترنت به عنوان سیستم فرماندهی و کنترلی طراحی شد که می‌توانست در برابر یک حمله‌ی حرارتی - اتمی دوام آورد. دانشمندان، با استفاده از روشی که به «پیام‌رسانی»^(۱۹) مرسوم است، راهی برای انتقال اطلاعات یافتند که به وجود تسهیلات ارتباطی مرکزی وابسته نیست، یعنی، (دست‌کم تا امروز)، هیچ مرکزی وجود ندارد که بر ارتباطات شبکه کنترل و نظارت داشته باشد، گویی راهی از موانع مرکزی در خطوط سیستم جاری است. دومین علت هیجان‌زدگی، از ناامنی آشکارا همیشگی همه‌ی نظام‌های نرم‌افزاری ناشی شده است؛ ظاهراً هر تلاشی که نهادهای نرم‌افزاری بکنند باز هم نمی‌توانند در برابر «مهاجمان»^(۲۰) مصمم به نفوذ در سیستم‌های‌شان مقاومت بکنند. «بنیاد مرز

• شپروند سدهی بیست‌ویکم، با یک کامپیوتر شخصی و یک مودم، به عنوان سخن‌گوی جدیدش، از دموکراسی‌ای بهره خواهد برد که برای نسل‌های محروم و سرکوب شده‌ی پیشین تصورناپذیر بود.

الکترونیک» که بعد از حمله‌ی هماهنگ دولت به گروه متجاوزان، بنا شد، برای حفظ آزادی آشکار اینترنت در برابر دست‌اندازی‌های شرکت‌ها و دولت به وجود آمد.

اقتصاددانان سیاسی چپ‌گرا به ساده‌لوحی سبیر - آنارشیست‌های بعدی پاسخ دادند. آنان یادآوری کردند که ریشه‌های اسن تکنولوژی‌های جدید در قلب مجتمع‌های نظامی - صنعتی امریکا قرار دارد، و هدف تحقیق و توسعه هرگز چیزی، به جز استفاده‌های بازرگانی و نظامی، نبوده است. هرچه سخاوتمندی شبکه‌های تحقیق دل‌گرم کننده باشد (که از آن میان سنت ارایه‌ی رایگان نرم‌افزار را بارها و بارها حیرت‌زدگان تکنولوژی نقل می‌کنند) این پیشرفت در حاشیه‌ی تکنولوژی جدیدی است که بخش اعظم توان آن به صراحت وقف تجدید ساخت صنعت سرمایه‌داری و حفظ کنترل نظامی و امنیتی شده است. کامپیوتر شخصی و شبکه می‌تواند کاملاً در خدمت سیاست باشد؛ اما در وهله‌ی نخست و عمدتاً نیازهای دولت و شرکت‌های سرمایه‌داری است که شکل شبکه و ساختار تجهیزات کامپیوتری را تعیین می‌کند.

با توجه به انبوه پولی که صرف این کار شده، وضع دیگری نمی‌توان انتظار داشت. هزینه‌ی نسبتاً اندک کامپیوترهای شخصی و مودم‌ها، هزینه‌های هنگفت تحقیق و توسعه‌ی کامپیوتری و نیز نصب و نگهداری زیر ساخت شبکه را پنهان می‌کند. پول باید از جایی برسد، و این‌جا به دولت فدرال و شرکت‌هایی (مثل آی.بی.ام و آی.تی.آند.تی)^(۲۱) تعلق دارد که به این پول به مثابه‌ی سرمایه‌گذاری برای سود آتی نگاه می‌کنند، نه برای گسترش دموکراسی. برای شرکت‌ها، گذشته از هرچیز، این شکل جدید ارتباطی یک شیوه‌ی جدید بهره‌کشی است، که شکل‌های جدید کار و شکل‌های جدید نظارت (زیرا کامپیوترها می‌توانند به دقت دامنه و عمق کار را اندازه‌گیری کنند)، و کار از خانه را امکان‌پذیر می‌کنند و باعث صرفه‌جویی در هزینه‌های سربار می‌شود.

این تکنولوژی جدید، حتا به عنوان یکی از

اقلام مصرفی، دارای محدودیت‌های روشنی است. زیرا هر چند وجه سرمایه‌گذاری شده به میزان پیشرفت کالاهای با تکنولوژی پیشرفته نیست، این مبالغ کم هم به شمار نمی‌آید، و دلایلی وجود دارد که باور کنیم به جای گسترش دسترسی جامعه به ارتباطات، به یک شکل جدید آپارتاید ارتباطی دست می‌یابیم. زیرا در حالی که تکنولوژی جدید تصویری از پیشرفت را ترسیم می‌کند، منابع اطلاعاتی قدیم در حال کاهش (مانند کتابخانه‌های عمومی) یا خصوصی شدن (مانند جایگزینی شبکه‌های سنتی با تلویزیون کابلی) هستند. وقتی دستمزدهای واقعی بخش اعظم جامعه ثابت است، یا کاهش می‌یابد، وعده‌ی افزایش دسترسی به اطلاعات به‌ارزای بهایی، هرچندان‌ک، چندان جذاب نخواهد بود. پس محدودیت‌های روشنی در دسترسی به منابع کامپیوتری و اطلاعاتی وجود دارد، و مادامی که تکنولوژی‌های جدید امتیاز دنیای نظامی و شرکت‌ها باشد، وضع احتمالاً بدتر می‌شود، نه بهتر. وانگهی، طراحی سخت‌افزار و نرم‌افزار هم چنان در جهت رفع نیازهای مالی جدید صنایع است، نه نیازهای سیاست دموکراتیک.

اطلاعات قدرت است؟

بی‌تردید نقد اقتصاددانان سیاسی درست است، اما از جنبه‌ی دیگری آنان اصل مطلب را فراموش می‌کنند. زیرا نتیجه‌ی روشن بحث‌شان این است که اگر همگان از امکان دسترسی نسبتاً برابر به این تکنولوژی‌های جدید برخوردار باشند، آن‌گاه حاصل آن واقعاً دموکراتیک خواهد بود. اطلاعات بیش‌تر و دسترسی آسان‌تر به آن به جامعه‌ی شهروندی آگاه‌تر می‌انجامد؛ یک جامعه‌ی شهروندی آگاه‌تر می‌تواند، با توجه به امکانات اینترنت، از طریق شکل‌های تمام عیار و دفعات بیش‌تر مشاوره (نظرخواهی، فرصت‌گفت و گوی عمومی، مشاوره‌ی الکترونیکی یا اعضا و نظایر آن) قدرت بیش‌تری اعمال کند.

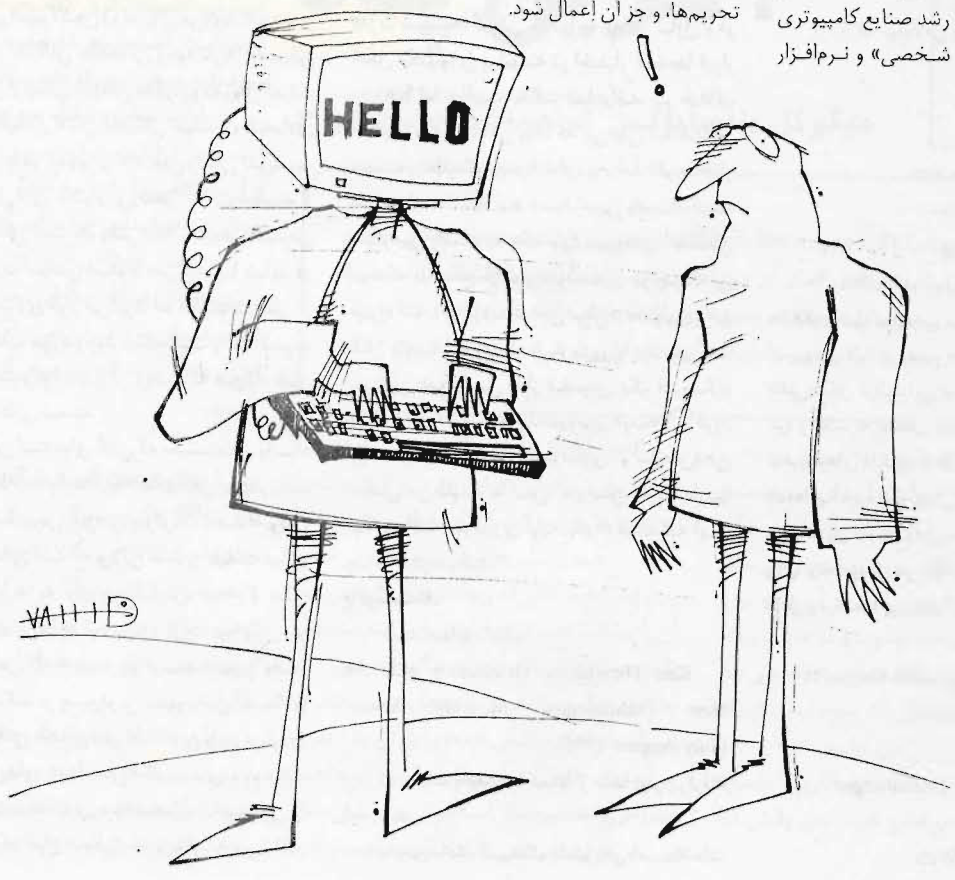
این برابرشماری نقطه ضعف اصلی بحث سیاسی در مورد تکنولوژی‌های جدید است. هیچ کس تردیدی ندارد که دسترسی به تکنولوژی‌های جدید به معنی دسترسی به منابع اطلاعاتی و به امکان سرعت، حتا بحث و مشاوره‌ی بین‌المللی، است. اما آیا مسئله‌ی دموکراسی‌های لیبرال این است که فاقد اطلاعات‌اند، و یا مثلاً این که رویه‌های رای‌گیری بیش از حد دست‌وپاگیر است؟ چنین فکر نمی‌کنم. چامسکی، مبارز خستگی‌ناپذیر، یک‌بار اشاره کرد که برای پی بردن به ایده‌نولوژی دولت، نه نیازمند مهارتی تخصصی هستیم و نه لازم است به بایگانی‌های تخصصی دسترسی داشته باشیم؛ اطلاعات، عمومی و در دسترس است، و همه‌ی آن چه نیاز داریم شک‌گرایی و تمایل به یافتن ریشه‌های واقعیت است. وجود اینترنت و کامپیوتر

شخصی دسترسی به لحاظ نظری «ر» می‌کند)، اما دسترسی در وهله‌ی نخست البته، در بسیاری از اطلاعات مشکل سیاسی با موضوعات مربوطه تولید اطلاعاتی قدرت نیست، نمی‌کنند که به خودنمایی‌شان، خواه بدانند که سرمایه‌داری می‌تواند نمایندگان سیاسی کند، اما توان کیفیت اطلاعات آن‌ها در ارایه دولتی با گروه تجاری خود دارای قدرت دولت دارای نیروی قهر آن با دسترسی شالوده‌ی جدید، مبتنی

می‌تواند به اطلاعات را افزایش می‌دهد (و نظری «رای‌گیری» را آسان‌تر و سریع‌تر می‌کند) اما دسترسی به اطلاعات مسئله‌ی اصلی نیست. در بسیاری از موقعیت‌ها دسترسی به اطلاعات مشکل است، به ویژه وقتی مسایل با موضوعات علمی آمیخته می‌شود (مثل مهندسات مربوط به آلودگی صنعتی، ایمنی تولید انبوه شده، و جز آن). اما نابرابری دسترسی قدرت سیاسی متکی بر نابرابری توان نیست: آن‌ها که حاکم‌اند از این رو حکومت بکنند که پیش‌تر می‌دانند (آنان، به رغم بی‌دانشی، معمولاً کم‌تر می‌دانند)، اما حاکم‌اند، می‌دانند که چه می‌کنند و خواه‌نداند. شرکت‌های بزرگ می‌توانند به خوبی نیازهای اطلاعاتی بیگان سیاسی و دیوان‌سالاران خود را تأمین کنند اما توان تأثیرگذاری آن‌ها در وهله‌ی نهایی به بی‌اطلاعات وابسته نیست، بل که ناشی از توان پادارایی یا عدم آرایه‌ی کمک به طرح‌های سیاسی یا گروه‌های سیاسی خاص است. نهادهای بزرگی خصوصی و همکاران شبه‌عمومی‌شان از قدرت مالی و ساختارهای مدیریتی هستند؛ بی‌داری نهادهای حقوقی و توانایی استفاده از پول قهر به هنگام نیاز است. آن‌ها بی‌تردید از دانش بهره می‌برند و به نرمی مداوم به اطلاعات نیازمندند، اما این بزرگی قدرت‌شان نیست. رشد صنایع کامپیوتری بی‌دینی مبتنی بر «کامپیوتر شخصی» و نرم‌افزار

جدید، این مسئله را مغشوش کرده است. بیل گیتز، (۲۲) آخرین شمایل این نوع انباشت سرمایه، هم‌چون شعبده‌بازی به نظر می‌رسد که هرچه می‌کند خوب است، گویی ثروت شخصی جادویی وی و موفقیت مالی‌اش ناشی از تخصص علمی - فنی‌اش بوده است. اما صرف‌نظر از پشتکار علمی وی در ابتدای کار، گیتز موفق است زیرا، با آمیزه‌ی درست پشتیبانی مالی، محصولی که به خوبی با تغییرات در روش تجاری هماهنگ است، و توان تغییر شکل بازار به شکل مورد نیاز، به خوبی بر موج اخیر تجدید ساخت اقتصاد سرمایه‌داری سوار شده است. حتا محصول اصلی گیتز، یعنی نرم‌افزار ویندوز، از هر نظر، نه تازه است، نه به طور خاص عظیم، و در واقع، نسخه‌ی ضعیف‌تری از سیستم بسیار بهتر «مک اینتاش» است. همین محدودیت‌ها بر رویاهای نظرخواهی‌های بی‌انتهای الکترونیکی حاکم است. فقدان قدرت مردمی در دموکراسی‌های سرمایه‌داری لیبرال ارتباطی با تعداد دفعات رای‌گیری ندارد؛ این فقدان برخاسته از یکسان شمردن قدرت مردمی و کنش رای‌گیری است. با توجه به شکل و محدودیت‌های دولت سرمایه‌داری لیبرال، قدرت مردمی صرفاً نباید از طریق آرای صوری اعمال شود (چه در مورد انتخاب نمایندگان و چه در مورد همه‌پرسی) بل که هم‌چنین باید از طریق شکل تظاهرات سازمان‌یافته، اقدام اتحادیه‌ی، تحریم‌ها، و جز آن اعمال شود.

آنان که افزایش کمی در رای‌گیری را راه‌حل بیماری‌های دموکراسی می‌دانند مشکل دموکراسی را واقعیت‌های «نمایندگی» می‌دانند، نه واقعیت‌های سرمایه‌داری. اما این واقعیت‌های سرمایه‌داری است که باعث می‌شود رای‌گیری فی‌نفسه در بهترین حال مشروعیت دهنده به راهبردها و سیاست‌هایی باشد که نخبان برگزیده‌اند. این صرفاً یک داوری نادرست موقتی (یا احساس نیاز به منجی در یک عصر تیره و تار) نیست که بسیاری از چپ‌گرایان خود را در مورد امکانات دموکراتیک این رسانه‌های جدید فریب می‌دهند. باور به آن چه تکنولوژی می‌تواند انجام دهد وابسته به درک نادرست ماهیت دولت‌های سرمایه‌داری لیبرال و قدرت سیاسی در واپسین سال‌های سده‌ی بیستم است. بنابراین بخش اعظم چپ‌گرایان پیش از این، حتا پیش از ظهور کامپیوتر شخصی و اینترنت، به برابر شمردن ناسنجیده‌ی دانش و قدرت در سرمایه‌داری متمایل بوده‌اند. نقد دهه‌ی ۱۹۶۰ از «تکنوکراسی» کاملاً به درستی پرده از چهره‌ی منافع سیاسی و اقتصادی کسانی برداشت که مدعی بودند صرفاً مجری سرمایه‌داری در کارآمدترین روش ممکن‌اند. اما گرایش را فعال کرد که اقتدار علم را به مثابه‌ی الگوی اقتدار سیاسی دریافت، گویی که دولت در واقع شرکت «زند» (۲۳) به همراه نیروی مسلح و پلیس بود. در دهه‌ی ۱۹۸۰، این گرایش به برابر شمردن «پسامدرنیستی» علم و



● کامپیوتر شخصی و شبکه می تواند کاملاً در خدمت سیاست باشد؛ اما در وهله ی نخست و عمدتاً نیازهای دولت و شرکت های سرمایه داری است که شکل شبکه و ساختار تجهیزات کامپیوتری را تعیین می کند.

اقتدارگرایی رشد کرد، که بنا به آن هر ادعایی در توصیف حقیقت و کذب امور به ناگزیر نخستین گام در جهت «ارادگاه کار اجباری» است.

دولت ها و شرکت های سرمایه داری بی تردید از تحقیق و تجزیه و تحلیل نیرو می گیرند و وابسته به آن هستند. اما یکی از ویژگی های تعیین کننده ی طبقه ی حاکم سرمایه داری این است که می توانند نتایج تحقیق را بپذیرند و یا سرکوب کنند، می توانند آن را نادیده بگیرند یا اگر مناسب یافتند بر طبق آن عمل کنند. دانش، علم یا فرهنگ، شالوده ی اقتدار آنان نیست، ابزار آن است، و صرفاً تنها ابزار نیست. در یکی از یادداشت های سردبیری یکی از بلندپروازترین مجلات (Mondo 2000) با یقین از این که مطلبی آوانگارد و جدید ارایه می شود این ادعا در مورد سرکردگی (هژمونی) شد که «نخبگان اطلاعاتی قدیم اکنون رو به زوال می روند». تردیدی نیست که نخبگان اطلاعاتی وجود دارند و ممکن است آنان از زمانی تا زمان دیگر، رو به زوال گذرانند، اما این نخبگان همان نخبگان سیاسی و اقتصادی نیستند. ما در جمهوری افلاطون زندگی نمی کنیم. گزاره گویی های تکنولوژی زده ها (۲۴) برخاسته از این باور آنان است که وقتی اطلاعات در دسترس باشد، قدرت سیاسی سقوط می کند، یا شاید در دستان بسیاری قرار می گیرد. اما اطلاعات پیش از این در اغلب موارد وجود داشته است و اگر قدرت هم چنان متمرکز است از آن روست که هیچ گاه نفس اطلاعات کافی نیست.

ممکن است برای آنان که معیشت شان وابسته به تولید اطلاعات است، اطلاعات کافی به نظر رسد.

هانس مگنوس انزنس برگر، (۲۵) مقاله نویس آلمانی، زمانی گفت که ویژگی متمایز طبقات میانی علاقه ی آن ها به نوآوری، نگارش، ابداع و خلق دانش است. آن ها که از قدرت و ثروت بورژوازی، در مفهوم خاص کلمه، برخوردار نیستند، خود را وقف تولید فرهنگ، در وسیع ترین مفهوم این اصطلاح می کنند. وقتی داستان های افسانه یی رایج درباره ی ماجراجویی های «مهاجمان» کامپیوتری و روحیات غیر خودپسندانه ی متخصصان کامپیوتری را می خوانیم که انواع نرم افزارهای شان را بی شائبه

ارایه می کنند، نمی توانیم از چنین تفکری دوری کنیم. دانشمند متخصص یا فناوری که می پندارد دسترسی به حاصل کار وی کلید دستیابی به دموکراسی است، نقش خود را در طراحی چیزها نادیده می گیرد. برای کسانی که می پندارند در مرکز قدرت سیاسی قرار دارند، نه در حواشی آن، «مهاجمان» صرفاً هم چون یک بازیگر سیاسی ظاهر می شوند. اما این دانشمندان نیستند که آی.بی.ام را می گردانند، این هیئت مدیره ی آی.بی.ام است و آنان تابع دستورات مقتدرانه ی سهامداران عمده هستند. دانش چیز بزرگی است و دنبال کردن آن کاری است شرافتمندانه. اما علت زندگی غیردموکراتیک ما فقدان دانش نیست و فزونی آن، خواه در صفحه ی نمایش و خواه به صورت چاپی، سیاست دموکراتیک تر نمی آفریند. تکنولوژی های جدید نیروی محرک جامعه ی ما نیستند، این نیرو، هم چون قبل، ضرورت سود است. تکنولوژی اطلاعاتی اکنون خانه زاد سرمایه داری به شمار می آید، اما نباید فراموش کرد که ریشه های بسیار کهن تر دارد.

سال های اخیر برای بسیاری از سوسیالیست ها و حتی سوسیال دموکرات های میانه رو نومیدکننده بوده است. در مواجهه با این همه شکست و این همه ناامیدی، این ایده که سرمایه داری تحول تکنولوژیک را بیش از حد، و بر خلاف میل خودش، به پیش می راند دل فریب است. چه کسی می تواند در برابر این «عدالت شاعرانه» (۲۶) تاب آورد که قدرت شرکت ها گوگرد خود را به بهایی نازل و در شکل تکنولوژی پیشرفته در اختیار توده ها قرار می دهد؟ اما جذابیت عدالت شاعرانه، بر خلاف عدالت حقیقی، در آن بوده که می توان به کناری نشست و نظاره گر پیشرفت آن بود. اما، اگر ساختار یک جامعه کاملاً به دموکراسی وابسته است، دموکراسی وابسته به یک نبرد و نیروهای اجتماعی است که با منافع، اراده و هوشمندی در جهت آن مبارزه کنند. بی تردید در این مبارزه تکنولوژی هم نقش دارد. اما هیچ راه میانبری ارایه نمی کند: نمی توان دموکراسی را از قفسه ی یک فروشگاه خرید یا آن را از شبکه ی کامپیوتری «وب» (۲۷) فرود آورد. دموکراسی، شهامت، بردباری و سازمان دهی سیاسی می طلبد و تاکنون، هم چنان که دیده ایم، میکروسافت نرم افزاری ارایه نکرده است که این چیزها را فراهم کند.

پانویسها:

۱- مشخصات ماخذ:

Ken Hirschkop. Democracy and the New Technologies. Monthly Review (July-August 1996).

توضیحات پانویسها عمدتاً از ماخذ زیر برگرفته شده است:

میکروسافت، فرهنگ تشریحی اصطلاحات

کامپیوتری، ترجمه ی مجید سماوی، کانون نشر علوم، چاپ سوم (تهران، ۱۳۷۴).

- 2- Newt Gingrich
- 3- Gore
- 4- Electronic Frontier Foundation
- 5- cyber-anarchists

۶- modem شکل مختصر عبارت modulator و وسیله ای ارتباطی است که با استفاده از آن می توان اطلاعات کامپیوتری را از طریق خط تلفن معمولی منتقل کرد.

7- Apple MacIntosh

۸- graphical user interface نوعی چارچوب نمایشی که امکان انتخاب فرمان ها، شروع برنامه ها و دیدن فهرست فایل ها و عملیات دیگر، با اشاره ی شمایل ها و فهرست های موجود در صفحه نمایش را برای کاربر فراهم می کند. در این موارد، گزینه ها را می توان به وسیله ی ماوس یا صفحه کلید فعال کرد.

۹- symbol-oriented language یک زبان کامپیوتری که برای شکل بخشیدن به دستورالعمل ها از نمادها و تصاویر استفاده می کند.

۱۰- user-friendly به مفهوم سهولت در قابلیت فراگیری یا استفاده است.

۱۱- computer conversation یک نوع حالت عملیاتی در کامپیوترهای شخصی که در آن کاربر کامپیوتر و سیستم نرم افزاری با ارایه ی فرمان ها و پاسخها با هم گفت و گو می کنند.

12- interaction

۱۳- ر.ک. نیکولاس باران، کامپیوتر و سرمایه داری.

14- discussion lists

15- bulletin boards

16- real-time

17- virtual communities

18- on-line

19- packet-switching

۲۰- hacker در اصل به معنی شخصی است که علاقه ی بی اندازه یی به برنامه نویسی و تکنولوژی کامپیوتری دارد. در دهه ی ۱۹۸۰ که شبکه های کامپیوتری تلفنی شکل گرفت، این اصطلاح یک مفهوم منفی پیدا کرد و اغلب به شخصی اشاره داشت که به طور مرموزی کامپیوترهای دیگران را مورد تهاجم قرار داده، برنامه ها و داده های ذخیره شده در آن ها را بدون اجازه زیر و رو می کند. این نام هم چنین به شخصی اطلاق می شود که ورای برنامه نویسی می خواهد به رمز و راز سیستم های عامل و برنامه ها پی ببرد.

21- AT&T

۲۲- Bill Gates مدیر عامل میکروسافت

23- Rand corporation

24- technophiles

25- Hans Magnus Enzenberger

26- Poetic justice

27- World Wide Web

سخن خلاصه ی
سکوت خلاصه
روبرت
شامز آر
(۹۵)

در باره
رسایا
۹۹۴
همه
منتش

چمبر
در باره شامز
در آوردند
می کند.
که در گار
شوند.
باقی ما
شاید لا
به نحو
دارند ل

فرهنگ نوین شماره سی و دوم / ۲۰